

گفتگو



مأموریت پلیس در طرح...
با سردار حسین ساجدی‌نیا،

جامعه



افسار خشم‌تان را بکشید
گرچه بروز خشم نشانه

رادیو و تلویزیون



ناوان عشق به بازیگری...
گفت‌وگو با کنایون

دانش



نورین، ابزاری برای...
گفت و گو با شاهین روحانی،

صفحه اصلی | روزنامه | درباره ما | ارتباط با ما | پیوندها | راهنمای سایت | بورس | آب و هوا

دوشنبه 05 تیر 1391 / 04 شعبان 1433 / 25 Jun 2012

بگرد

یک ماهه اخیر

جستجو در جام جم

فرهنگی



شماره خبر: 100901127984 | چهارشنبه 21 اسفند 1387 - ساعت 00:21

گفتگو با بهمن مه‌آبادی، نوازنده ویولن و عضو سابق ارکستر سمفونیک تهران

ارکستر سمفونیک یک واحد اجاره‌ای است



بهمن مه‌آبادی، سرپرست گروه موسیقی سل از جمله نوازندگان ویولن است که در عرصه موسیقی کلاسیک غرب فعالیت مستمر و ارزشمندی داشته و معتقد است این نوع موسیقی نوعی از موسیقی علمی و آکادمیک است که با وجود پتانسیل‌های قوی در عرصه موسیقی ایران همواره نادیده گرفته شده است. بر همین اساس با وی که عضو بازنشسته ارکستر سمفونیک تهران است در خصوص مسائل مختلف ارکستر، وضعیت موسیقی کلاسیک در ایران و اجرای آثاری از این نوع موسیقی توسط ارکستر سمفونیک تهران و اجرای ارکسترهای خارجی در ایران گفتگو کرده‌ایم.

بسیاری از کارشناسان معتقدند موسیقی کلاسیک در ایران بیش از هر عنوانی تربیونی برای عرضه آثار آهنگسازان کلاسیک غرب است و آهنگسازان ایرانی کمتر بهره‌ای از این ارکستر می‌برند. تا چه اندازه با این نگاه موافق یا مخالف هستید؟

موسیقی کلاسیک مفهوم غربی ندارد، بلکه این نوع موسیقی میراث جهانی بشریت است و اگر نگاه دقیقی به این مقوله داشته باشیم متوجه می‌شویم موسیقی کلاسیک تنها در باخ و بتوون و آهنگسازان غربی مشاهده نمی‌شود، بلکه غیر از این موسیقی کلاسیک آهنگسازانی چون چایکوفسکی از روس، امیراف از آذربایجان یا حتی امین‌الله حسین و ثمین باغچه‌بان از ایران را به خود دیده است، بنابراین موسیقی کلاسیک نوعی بیان یا الفبای جهانی است که هیچ مرزی نمی‌شناسد و آدم‌های مختلف از کشورهای متفاوت به عنوان نمایندگان در فضای موسیقی کلاسیک نفس کشیده و می‌کنند، البته ناگفته نماند که میزان شناخت این هنرمندان به میزان ارزش دادن مسوولان و متولیان امور فرهنگی به هنر موسیقی بستگی دارد و درست به دلیل بها ندادن به هنرموسیقی کلاسیک، فرهنگ این نوع موسیقی در ایران با آنچه در دنیا می‌گذرد فاصله بسیاری دارد؛ ضمن این‌که ارکستر سمفونیک تهران مثل یک دانشگاه است و قرار نیست هر قطعه پیشنهادی را اجرا کند، بنابراین همه قطعات باید دارای استاندارد جهانی و در سطح قابل قبولی باشد، ولی به عقیده من ارکستر سمفونیک تهران به منظور ایجاد تعادل میان اجرای آثار آهنگسازان ایرانی و خارجی باید برنامه‌ای منسجم برای اجرای آثار آهنگسازان ایرانی داشته باشد و در کنار اجرای آهنگسازان موسیقی کلاسیک در غرب، آثاری از آهنگسازان ایرانی را نیز اجرا کند تا هم گوش مخاطب با آثار آهنگسازان ایرانی آشنا شود و هم اجرای این آثار مثل یک کارگاه پژوهش تاثیرگذار باشد.

حضور نوازندگان جوان در ارکستر سمفونیک تهران به عنوان نیروهای بالقوه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هیچ تردیدی در اجرای خوب نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران برای آثار آهنگسازان ایرانی وجود ندارد و این حضور اتفاقی است که در همه جای دنیا می‌افتد، همان‌طور که وقتی ما جوان بودیم به ارکستر آمدیم و در این فضا رشد کردیم؛ اما تفاوت عمده نسل ما با نسل امروز این است که حضور استادان و پیشکسوتان موسیقی برای ما یک غنیمت بود و مانند پیران در گود هنر موسیقی عمل می‌کردند و حضور همین استادان بود

صفحه اول روزنامه

سیاسی

رادیو و تلویزیون

اقتصاد

فرهنگی

جامعه

ورزش

دانش

جهان

حوادث

ایران زمین

گفتگو

سلامت

اندیشه

صفحه آخر

جستجوی پیشرفته

ضمائم

ویژه نامه‌ها

که زیباشناسی، نفس عمل، احترام به صحنه موسیقی، ساز و همچنین مردم را به ما یاد دادند، یعنی ما موسیقی را آموخته بودیم و مثل یک تکنیسین به ارکستر آمدم، اما در مواجهه با این استادان و یاد گرفتن روح موسیقی رفته رفته به هنرمند تبدیل شدیم. در واقع ارکستر سمفونیک دانشگاهی بود که وقتی وارد شدیم رفتار و منش هنرمندانه را یاد گرفتیم. امروزه کسی که ساز میزند نیاز دارد تا زیبایی‌شناسی، تاریخ هنر موسیقی در ایران و جهان را بداند، چراکه مجموع این عوامل یک اثر هنری را با روح هنرمندانه می‌سازد، در غیر این صورت اگر قرار باشد یک نفر صرفاً نوازنده یک قطعه باشد مثل یک تکنیسین عمل می‌کند که البته این مهم است، ولی کل مطلب نیست، در حالی که اکنون بسیاری از نوازندگان فاقد روح هنرمندانه و اغلب تکنیسین‌های خوبی هستند. ناگفته نماند که عدم رسیدگی به نوازنده‌های ارکستر سمفونیک تهران و بالا بودن هزینه‌های زندگی موجب شده آنها برای کسب درآمد بیشتر از منابع دیگری سیراب شوند و همین مساله فرصت مطالعه و به روزماندن موزیسین را از بین می‌برند.

به نظر می‌رسد وضعیت نوازنده‌های ارکستر سمفونیک تهران از زمان اعمال نظر منوچهر صهبایی به عنوان رهبر ارکستر سمفونیک تهران بهتر شده، ولی همواره با اما و اگرهایی ازسوی برخی آهنگسازان همراه است. در حال حاضر وضعیت این ارکستر و موسیقی کلاسیک در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید و چه تفاوت‌هایی با گذشته داشته است؟

آهنگسازهای مختلفی طی این سالها به ارکستر سمفونیک تهران دعوت شدند و برنامه‌های متفاوتی اجرا کرده‌اند، به عنوان مثال سال‌های بسیاری زنده‌یاد فریدون ناصری به عنوان رهبر ارکستر حضور داشتند که مانند پدری برای حفظ ارکستر تلاش کردند و علی‌رغم مشکلات فراوانی که در ارکستر وجود داشت، سعی کردند ارکستر از هم نپاشد و از آن پس رهبران مختلفی به ارکستر آمدند و رفتند و هر یک هم برنامه‌های خودشان را اجرا کردند، اما آنچه مسلم است حضور آقای صهبایی به عنوان رهبر دائمی ارکستر سمفونیک تهران باعث نظم بخشیدن به ارکستر شده و ایشان رهبری است که به مسائل ارکستر سمفونیک آشنایی کامل دارد، بنابراین معتقد نیستم که وضعیت ارکستر نسبت به گذشته بدتر شده، بلکه این تلاش باید ادامه داشته باشد. برخی مسائل مانند تورم و گرانی و در پی آن بالا رفتن قیمت بلیت ارکستر سمفونیک باعث ایجاد رکود و ناتوانی مالی مخاطب برای حضور در این اجراها شده است. در واقع عدم حمایت‌های دولتی یا بخش خصوصی باعث ایجاد چنین وضعی در سیستم اجرایی برنامه‌های ارکستر سمفونیک و دیگر گروه‌های موسیقی دیگر شده است، ولی این در حالی است که در همه جای دنیا از هنر خوب و فرهنگساز در حوزه‌های مختلف حمایت می‌شود، اما متأسفانه در ایران چنین نیست و نهادها و سازمان‌های مختلف به فراخور نیاز خود انواع استفاده‌های خود را از هنر موسیقی می‌کنند دریغ از این‌که کوچک‌ترین حمایت مالی را از این هنر در درازمدت بکنند، به همین دلیل بسیار معتقدم وقت آن رسیده پس از 30 سال که از دوران انقلاب می‌گذرد هنر موسیقی از سوی مسوولان به رسمیت شناخته شود، به این معنا که اگر هنر موسیقی برنامه‌ای سیاسی یا اقتصادی نیست به حمایت سیاسی و اقتصادی نیاز دارد، بنابراین صدا و سیما باید از آثار ارزشمند در زمینه موسیقی دفاع کند و زمینه معرفی و رشد این هنر را فراهم آورد. اگر حمایت‌ها انجام شود هم مردم و هم مسوولان متوجه می‌شوند که کمترین سود قضیه این است که احساسات اجتماعی را تلطیف می‌کند و جوانان دیگر سراغ انواع موسیقی‌های وارداتی خارج از مرزها نمی‌روند.

حضور رهبر مهمان به عنوان مدیر هنری ارکستر برای اجرای آثاری خاص امری متداول در همه جای دنیا است، اما به نظر می‌رسد آقای صهبایی چندان اعتقادی به حضور رهبر مهمان ندارد و این شیوه را نمی‌پسندد. نگاه شما به عنوان نوازنده بازنشسته ارکستر سمفونیک تهران نسبت به رهبری ارکستر توسط رهبر مهمان چیست؟

من به وجود رهبر مهمان اعتقاد دارم، اما بسیاری از کسانی که به عنوان رهبر برای اجرای اثر خاصی اعلام آمادگی می‌کنند رهبر ارکستر نیستند و تخصص و تحصیلات این رشته موسیقایی را ندارند و اغلب جزو نوازنده‌های خوب ارکستر سمفونیک هستند. به عقیده من یک نوازنده هر قدر هم که خیره باشد، لزوماً نمی‌تواند رهبر خوبی باشد؛ چون رهبر ارکستر تحصیلات این رشته را دارد و علاوه بر تحصیلات، سالها رهبری ارکسترهای مختلف را انجام داده است بنابراین اگر چنین فردی وجود داشته باشد به اعتقاد من می‌تواند به عنوان رهبر مهمان ارکستر سمفونیک با مدیریت هنری رهبر دائمی ارکستر حضور داشته باشد البته این حضور هم باید با انتخاب و صلاحدید خود منوچهر صهبایی صورت گیرد.

ولی متأسفانه در شرایط حاضر چنین نیست و ارکستر سمفونیک مثل یک واحد اجاره‌ای هر چند وقت یک‌بار به یک آهنگساز که صرفاً یک اثر موسیقایی ساخته و تمایل دارد که آن اثر را خودش رهبری کند، اجاره داده می‌شود و این اتفاق به لحاظ حرفه‌ای کار درستی نیست ولی من امیدوارم شرایطی پیش آید که با مدیریت خود آقای صهبایی، رهبران دیگر از نقاط

آهنگسازانی به اسم نوگرایی، آثاری می‌سازند که نه تنها تعریفی از هنر ندارد، بلکه حرفه آهنگسازی را هم کاری دم‌دستی نشان می‌دهند

مختلف دنیا به عنوان رهبر مهمان به ارکستر سمفونیک دعوت شوند و برنامه‌هایی را به طور مشترک اجرا کنند با وجود چنین برنامه‌ای ارکستر سمفونیک تهران هر اندازه که با رهبران مختلف کار کند بیشتر می‌آموزد.

حضور ارکسترملی یا ارکسترهای دیگر در کنار ارکسترسمفونیک تهران تا چه اندازه می‌تواند مفید واقع شود؟

وجود ارکسترهای متنوع و گروه‌های مختلف موسیقی در کنار ارکسترسمفونیک تهران قدمی رو به جلو است؛ چراکه ارکسترملی به عنوان ارکستری سازمان‌یافته با مدیریت آقای فخرالدینی رپرتوار خاص خودش را دارد و وجود این ارکستر امری ضروری است؛ اما در کنار فعالیت‌های ارکستر ملی دیگر ارکسترها که عموماً از جوانان فعال و خوش‌ذوق در عرصه موسیقی هستند به فعالیت مشغول کند. به عنوان مثال می‌توان از ارکسترزهی پارسیان نام برد که پس از سال‌ها فعالیت جایگاه خود در عرصه موسیقی را بدرستی پیدا کرده است. آخرین اجرای ارکسترزهی پارسیان را از نزدیک دیدم که اجرایی خوب و بی‌نقص داشت بخصوص این‌که اجرای آقای خاچیک در این ارکستر بسیار دیدنی بود. به عنوان نمونه اجرای چهارفصل ویوالدی عالی بود. با وجود بی‌عیب بودن اجرای گروه‌هایی از این دست بحث حمایت بسیار مهم و حیاتی است البته در کنار گروه‌های جوان برخی ارکسترهای دیگر، مانند ارکستر موسیقی نو به رهبری علیرضا مشایخی وجود دارد که به اعتقاد من، یکی از پدیده‌های موسیقی در ایران است که یک گام فراتر از موسیقی ارکسترال در ایران حرکت می‌کند.

به موسیقی مدرن اشاره کردید. مقوله نوگرایی در موسیقی بحثی است که از گذشته مطرح بوده، اما در سال‌های اخیر این مقوله بسیار مطرح شده و بسیاری از آهنگسازان با ساخت آثاری خود را در زمره آهنگسازان نوگرا قلمداد می‌کنند. شما این نگرش را چطور ارزیابی می‌کنید؟

البته تعاریف و تصاویر مختلفی از مقوله نوگرایی وجود دارد آنچه به عنوان نوگرایی در موسیقی آقای مشایخی اتفاق می‌افتد، مقوله‌ای است که در دنیا اتفاق افتاده و حالا این آهنگساز یا آهنگسازان مشابه‌نگاهی تازه‌تر صرفنظر از خوب یا بد بودن اثر به کار می‌گیرند و البته پس از گذشت سال‌ها مخاطب یا اهالی موسیقی متوجه سبک تازه از در موسیقی آنها می‌شوند، اما متأسفانه برخی آهنگسازان بدون این‌که تجربه درست و کافی از کار در حوزه موسیقی داشته باشند و بدون این‌که گذشته تاریخ موسیقی را مطالعه کرده باشند به غلط تصور می‌کنند باید از ابتدا اثری با مضمون نوگرایی بنویسند. البته این اتفاق در حوزه موسیقی ایرانی بیشتر مشاهده می‌شود. این نوع موسیقی گنجینه ارزشمندی است که متأسفانه هر فرد آشنا به موسیقی با بضاعت اندک خود و بدون داشتن پشتوانه‌های علمی و تجربی به ساخت آثاری در این حوزه اقدام می‌کند. هیچ زلزله‌ای نمی‌تواند موسیقی ایرانی را نابود کند یا زیر سوال ببرد؛ اما متأسفانه اخیراً آهنگسازانی به اسم نوگرایی آثاری در این‌گونه از موسیقی می‌سازند که نه تنها تعریفی از موسیقی ایرانی در آثارشان شنیده نمی‌شود، بلکه حرفه آهنگسازی را نیز کاری دم‌دستی و پیش‌پا افتاده تلقی می‌کنند و افراد کم تجربه باید اجازه دهند تا از این گنجینه بدرستی استفاده شود.

حضور ارکسترهای خارج از کشور برای برخی اجراها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بسیار شنیده‌ام که برخی با آب و تاب تعریف می‌کنند که یک ارکستر از نوازنده‌های خارج از کشور برای اجرایی ویژه به ایران دعوت شدند، ولی زمانی که اجرای این ارکستر را از نزدیک دیدم متوجه شدم نوازنده‌های ارکسترهای دعوت شده به ایران، هنری زیاده‌تر از نوازنده‌های ایرانی ندارند ولی چون آنها هم ملیت ما نیستند به گروه‌های ایرانی و ارکسترسمفونیک تهران ترجیح داده شده‌اند. به عقیده من بیشتر این ارکسترها از نوازنده‌های معمولی هستند که فقط با نام آن کشور تبلیغ می‌کنند ولی ارکستر سمفونیک تهران با مدیریت پر قدرتی که در حال حاضر دارد می‌تواند انواع سبک‌های موسیقایی را اجرا کند.

پریسا ساسانی

نظرات خوانندگان (0 نظر)

لطفاً نظرات را فارسی وارد کنید

نظر خوانندگان:

ارسال نظر

پست الکترونیک:

نام: